

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نذیر دلسوز
۲۰۱۵ می ۰۵

تذکری برای «مسکا نجیب»

این پارچه شعر را یک دختر مبارز (ماریا نور) از فیسبوک دختر نجیب جلاد در صفحات فیسبوک انتقال داده و نوشته :
«دوستان، دختر نجیب گاو فکر کنم این شعر را به پدر ظالم و مزدور خود سروده»

«مسکا نجیب»



از سلطان ظالمی پرسیدند :

چه می خوری؟

گفت: گوشت ملت.

گفتند چه مینوشی؟

گفت: خون ملت.

گفتند چه میپوشی؟

گفت: پوست ملت.

گفتند اینها را از کجا می اوری؟

گفت: از جمل ملت

گفتند: چگونه این جمل را نگاهداری می کنی؟

گفت: در جعبه ای طلائی به نام "مقدسات"

گفتند: از این جعبه چگونه محافظت میکنی؟

گفت: به وسیله خرافات.

اینک نوشته نذیر دلسوز به خاطر این سروده

مسکا جان (دختر جلاد) !

در این سروده آیا برای لحظه ای زود گذر به فکرت نازنیت خطور کرده که پدرت قبل از کودتای ننگین ۷ ثور چه مقدار پول داشت . زمانی که مادر جانت برای همیشه کشور را ترک کرد و وارد میدان هوایی دهلی جدید شد چند عدد بکس حلبی قطور را [که هر یک آن را چهار نفر به مشکل توانستند به موتر هائی گذاشتند که شما را به محل امنی

تحت نظر سازمان اطلاعات هند انتقال می دادند [با خود آورده بود . در این بکس ها که مهر و لاک دیپلماتیک زده شده بود ، چه چیز موجود بود ؟

بکس ها همه مملو از خون مردم کشور بود که پدرجلادت آن را به پوند استرلینگ و دالر و خشت های طلا و جواهرات قیمت بها تبدیل کرده بود. صحنه انتقال بکس های تعجب بر انگیز مادرت جاننت را چند تن از افغانهای تاجر که اتفاقاً در آن جا حضور داشتند از جمله یک تن از اعضای خاد خارجی مقیم دهلی که در هر پرواز، به میدان هوایی آمده با پیلوت های افغان در تماس می شد ... ، هم حضور داشت ، که وی برای کتمان هویت خادی خود و برادرانش داستان بکس های حلبی مادر جاننت را به پناهندگان افغان می گفت .

پولهای هنگفت اسعار خارجی که پدرجاسوس تو زمانی که توسط خره کی و باندش به سفارت خانه های افغانستان گویا تبعید شده بودند و به نام های مورد نظرش در بانک های کشور های غربی گذاشته بود ، باشد سر جایش ، همچنان شمار از آثار باستانی دارای ارزش غیر قابل باور را که مسؤول آثار باستانی (شخصی به نام « ... امینی » عضو خاد و قابل اعتماد پدرت) در ارگ گویا از آن حفاظت و واریسی می کرد (در واقع مادرت آن همه را برای روز فرار نگهداشته بود) این شخصی (امینی) زمانی که به دهلی پناهنده شد ؛ داستان نگهداری اشیای با ارزش باستانی را برای افغان ها قصه می کرد و به پدرت دشنام می داد و مادرت را اهانت می کرد تا کسی وی را نشاسد .

بی بی مسکا جان یک پارچه گک شعر برای پدر کلان «ضبط احوالاتی» ات هم بگو که چطور در دو دوره صدارت و ریاست جمهوری داوود خان در نقش وکیل تجار افغانی به پاکستان فرستاد شد تا برای روس ها خبرکشی کند . مسکا جان دخترک جلاد معروف ! دم از مردم زن و با سرودن این شعر نمک به زخمهای مردم ما نریز که اگر بی حوصله شوند در مورد بسا مسایل خصوص مادر جاننت و خانواده اش گپ خواهند زد .

ای وای KGB نگذاشت که پدر جلادت - این عضو اصلی KGB که بعد از اینهمه خدمت به آن سازمان در فکریانیت و فرار از کشورش (که آن را به جهنم تبدیل کرده بود) ؛ توسط مردم محاکمه صحرایی شود . KGB این عضو خاینش (پدرت جاسوس و جلادت) را به خاطری که به غرب وعده داده بود که اسرار مهم نظامی سیاسی شوروی را در رابطه با افغانستان و منطقه و اسمای جاسوسان خاد خارجی را که در کشور های غربی به نفع روسها فعالیت می نمایند (در بدل انتقالش به هند و از آنجا به غرب) به آنها خواهد سپرد. از همین سبب وی را تحت نظر دو اجنت کارکشته شان ، یعنی جنرال «اسحق توخی» و بادیگاردش جنرال «جفسر» تا وقت تحویل دهی اش به اجنت های روسی افغان تبار خود (خلق های) در زیر پوشش طالب قرار داد و دستور مرگش را صادر نمود .

دلسوز می ۲۰۱۵